

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

اولگا گاربوز - (Olga Garbuz)

برگردان از: ا. م. شیری

۲۳ جنوری ۲۰۱۷

نه، لنین به خواب ابدی نرفت...

او به استقبال قرن‌های آینده می‌رود. او در سراسر جهان غوطه‌ور در کار و فکر در گشت و گذار است...

رجینا پدروسو (کوبا)

آیا می‌دانید، که اولین یادواره لنین در خارج از اتحاد شوروی در کجا و کی نصب گردید؟ آری - آری، کاری عجیب است، اما در کوبا!

این واقعه سی و پنج سال قبل از انقلاب کوبا، حتی زمانی که فیدل کاسترو هنوز متولد نشده بود، به وقوع پیوست. اما همانطور که یک انسان فرزانه گفت، معلوم می‌شود نوعی نظم خاص در فضای انقلابی وجود دارد...

ما از خلیج هاوانا از راه تونل می‌گذریم و در سمت سواحل پلاپاس -دل -استه در شرق پایتخت حرکت می‌کنیم. یاربارا می‌گوید: "رگلا چند قدم از کوهیمارا فاصله دارد. من هم در فکر بودم تو که می‌خواهی همینگوی را ببینی... خارجی‌ها را به ندرت به رگلا می‌برند، و در عین حال، این کوبای واقعی است." اطراف ما -پر است از کلبه‌های روشن چیده شده بر روی تپه مشرف به خلیج. در اینجا هیچ چیز شبیه به ویلاهای تجملی و دادو و میرامار با آذین‌بندی‌های متحرک وجود ندارد. رگلا -با ماهیت سرکش موروثی، بندر کارگران هاواناست؛ کارگران در معرض سرکوب، اما تسلیم ناپذیر، چه در دوره **ماچادو**، چه در دوره **باتیستا**. سنت انقلابی و مردمی، عامل اتحاد مسیحی و بی‌دین، اروپائی و افریقائی در دسته گل دلربای کارائیب، سنتی همیشه پایدار است در رگلا.

در ۲۴ جنوری سال ۱۹۲۴، همین که خبر وفات لنین به کوبا رسید، دکتر **آنتونیو سلسستینو بوش مارتینز**، شهردار رگلا، بیانیه‌ای صادر کرد که طی آن، لنین را "**شهروند کبیر جهان**" نامید. همان روز، هنگامی که در سرمای جانسوز روسیه جنازه لنین را تشییع می‌کردند، ساکنان رگلا به دعوت شهردار خود در تپه شهر در زیر رگبار باران گرمسیری به افتخار رهبر انقلاب روسیه زیتون کاشتند. به این ترتیب تپه فورتن به تپه لنین معروف گردید. به یاد لنین زندگی به مدت دو دقیقه در شهر به طور کامل متوقف شد -کارخانه‌ها، مؤسسات تجاری و حمل و نقل از کار باز ایستادند. و عصر هنگام در جلسه عزاداری در ساختمان شهرداری، دکتر **آنتونیو کاگران** را به آموختن میراث لنین به دلیل اهمیتی که برای آینده آنها دارد، فراخواند.

در اوایل سال‌های ۱۹۳۰ پولیس مخفی **ماچادو** سه بار زیتون لنین را از خاک درآورد، اما دستان دلسوز کارگری آن را دو باره و دوباره بر جای نشاند. اول ماه می سال ۱۹۳۰، هنگام سخنرانی کارگر بندر، **کارملو گارسیا** نیروهای ارتش به تپه حمله کردند. در جریان سرکوب تجمع کارگری در رگلا دو نفر کشته، ۱۰ مجروح، شمار زیادی بازداشت و تبعید شدند.

...راننده تقریباً در پیچ‌های تند از ترمز استفاده نمی‌کرد، به همین سبب من به صندلی عقب می‌چسبیدم. به جای نگاه به جلو، به باربارا نگاه می‌کنم، که در تمام طول راه به طرز تند-تند حرف زدن کوبائی برایم توضیحاتی می‌دهد. در نهایت در پائین تپه، کاملاً کوفته، مطیع، با ایمان به این که راه به سوی لنین نمی‌تواند آسان باشد، در زیر آفتاب سوزان از خودرو پیاده می‌شویم.

در سال ۱۹۶۱، پس از پیروزی انقلاب، در تپه مهدکودکی ساخته شد که آن را هم به نام "لنین" نام گذارند. آن را خود ساکنان شب‌ها، پس از پایان روزهای کار ساختند. فشارهای "دوره ویژه"، که کوبا را در مرز بین حیات و ممات قرار داد، امکانات مالی کوبائی‌ها را برای پشتیبانی از مهد کودک فعال به صفر رساند.

ما در پیاده‌رو پارک که مثل کمربند تپه را در میان گرفته، به راه خود ادامه می‌دهیم. از محوطه مقابل یادواره لنین، خود رگلا، بخشی از هاوانا و پائین خلیج به خوبی نمایان است. زیر درخت‌های بلند در اینجا و آنجا اسکلت پرندگان مشاهده می‌شود. بدون توجه خاص من به آنها، اما باربارا توضیح می‌دهد: "شامان‌های بومی آئین دینی خود را در تپه برگزار می‌کنند. به گمانم، باربارای کمونیست به خاطر شامانها در نزد من کمی دل‌گیر شده است. پس از چند ماه با او در مسکو دیدار می‌کنیم و خاطره سفرمان به رگلا را به یاد می‌آوریم. در خلال صحبت‌ها می‌گویم: "به نظرم، شامان‌ها به معنای تپه آگاه‌اند و جای بدی را برای اجرای مراسم دینی انتخاب نمی‌کنند. این تپه مقدس است، مقدس به معنای واقعی کلمه".

<http://www.sovross.ru/articles/1505/29938>

۳ بهمن - دلو ۱۳۹۵